



## سرگذشت کیخسرو

کیخسرو فرزند سیاوش ، هشتمین پادشاه سلسله کیان و یسکی از بزرگترین و نیرومندترین شاهان ایران است . از او ، بعنوان پهلوان کشور های آریائی و متحد سازنده شاهنشاهی ایران یاد کرده اند وی دارای فرکیانی بوده و از جاودانان شمرده شده است . شهریاری کامیار و بزرگ است که علاوه بر تقدس و پارسائی برای کارهایی مهم که انجام داده سخت مورد توجه قرار گرفته است .

ستایش کیخسرو و توصیف قدرت او در اوستا :

آنچه از او در «اوستا» می یابیم توصیفی است روشن و دقیق حاکی از پیروزیهای شهریاری بزرگ که بدین کمیت و کیفیت در اوستا هم مانند فراوان ندارد . در پشت سیزدهم ، از واپسین جمله بند صدوسی و دوم ، جایی که به فروشی کیانیان درود فرستاده میشود ، درباره کیخسرو چنین آمده است :

«فروهر پاک دین کیخسرو رامی ستائیم ، برای نیروی خوب ترکیب یافته اش ، برای پیروزی اهورا آفریده اش ، برای برتری فاتحش ، برای حکم تغییرناپذیرش ، برای

په خانم دکتر مهرداد برومند

حکمر و نایب، نشاندنش، برای شکست سریع دشمنان از او، برای نیروی سالم، برای فرزند آفریده، برای تندرستی، برای فرزندان نیک باهوش دانشای زبان آور مقتدر روشن چشم، از احتیاج ره‌اننده دلاور، برای آگاهی درست از آینده، برای بهترین زندگی (بهشت) غیر قابل تردید، برای سلطنت درخشان، برای مدت زندگانی بلند، برای همه خوش‌بختی‌ها، برای همه درمانها، برای مقاومت بر ضد جادوان و پری‌ها و کوی‌ها و کربن‌های ستمکار، برای مقاومت برابر آزاری که از ستمکاران سرزند.»

دریشت پنجم (آبان یشت) فقرات ۴۹-۵۰ چنین آمده است که :

«خسرویهامان ویدید آرنده شاهنشاهی ایران، برای اردویسور آناهیت، نزدیک دریای چچست، صداسپ و هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کرد و از او چنین خواست که ای اردویسور آناهیت مقدس و نیکوکار مریاری ده تا برهه کشورها و دیوان و آدمیان و جادوان و پریان و کربنان ستمگر، پادشاهی و سلطنت یابم و در جنگهای خود از هماوردانی که در یشت اسب یامن نبرد میکنند پیش باشم.»

دریشت نهم (درواسپ یشت) مطالبی تازه‌تر، در باب کیخسرو و یی‌بینیم و از آن‌جمله است : مطالب فقرات ۱۷-۱۹ : «هئوم آ (هوم) جنگجو و فرمانروای نیک، دارنده چشمان زرین، بر فراز هرائیتی بلندترین قله جبال قربانی‌هایی برای درواسپ آورد و چنین گفت : ای درواسپ مریاری کن تا بتوانم فرنگرسین<sup>۳</sup> (افراسیاب) گناهکار تورانی را به بند افکنم و باقیم و زنجیر نزد کوی هئوسروه<sup>۴</sup> بکشم تا او را در کنار دریایچه ژرف و پهناور چچست به انتقام خون پدر خود سیاورشن (سیاوش) دلیر که به خیانت کشته شد و به انتقام خون اغراوژ دلیر، تباه کنم. درواسپ توانا و آفریده مزدا در این کار با او یاری کرد.»

مطالب فقرات ۲۱-۲۳ از همین یشت بسیار مهم و چنین است : «هئوسروه پهلوان ویدید آرنده شاهنشاهی ایران، برای درواسپ، نزدیک دریایچه چچست، صداسپ و هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی داد و از او چنین خواست که ای درواسپ مقدس و نیکوکار بامن یاری کن تا آن گناهکار تورانی یعنی فرنگرسین (افراسیاب) را کنار دریایچه پهناور و ژرف چچست، به انتقام خون سیاوش پهلوان که از راه خیانت کشته شد و به انتقام خون اغریوژ دلیر، بکشم. درواسپ در این کار با او یاری کرد.»

بنابر یشت ۱۵ (رام یشت) فقرات ۳۱-۳۲ ائوروسار<sup>۵</sup> و یورا در آغاز زمین و پایان جنگل سفید، بر روی تخت و بالش و فرش زرین، ستود و گفت مریاوری ده تا خسرو پهلوان ویدید آرنده شاهنشاهی ممالک ایران بر من دست نیابد و من از چنگ اورهائی یابم، اما ویو در این کار با او یاری نکرد.

از سایر قطعات اوستا مطلب تازه‌تری در باب کیخسرو بر نمی‌آید زیرا همه تکرار مطالب گذشته است. و خلاصه مطالبی را که میتوان از آنها نقل کرد این است که: کیخسرو از بیماری مرگ برکنار بود و فریانی بدو تعلق داشت. او مردی نیرومند و صاحب پیروزی خدا داد و تسلط مطلق و فرمان درست و قاطع و شکست ناپذیری بود و دشمنان خود را به تندی درهم می‌شکست و فرزندان هوشیار و توانا داشت و از بهشت آگاه و صاحب سلطنتی بارونق و عمری دراز و همه خوشبختی‌ها بود. چنانکه دشمنان را در میدانی بزرگ و در جنگل تعقیب کرد در حالیکه دشمن او (ائوروسار) بر پشت اسب با او می‌جنگید.

کیخسرو پیروز همه دشمنان را زیر چنگ آورد و گناهکار تورانی افراسیاب و گرسوزد (گرسیوز)<sup>۶</sup> را با انتقام خون پدر خود سیاوش و اغریث به زنجیر کشید و کشت. در فقره ۱۳۷ از فروردین یشت از پسر کیخسرو بدین صورت یاد شده است: «فروشی آخرور<sup>۷</sup> پسر هئوسروه را می‌ستائیم، برای راندن دروغگوئی که دوست خویش را می‌فریبد و برای راندن بخیل و تباه‌کننده جهان.»

### کارهای مهم کیخسرو و توصیف او در ادبیات پهلوی:

نام کیخسرو در ادبیات پهلوی، کیخسرو یا کی خسروک است. پدرش سیاوش پسر کی کاوس و مادرش ویسپان فریه<sup>۸</sup> فرنگیس دختر افراسیاب بود و او هشتمین کسی از خاندان کیان و پادشاه کشور خونیرس<sup>۹</sup> است. مولدش گنگ دژ بود. کیخسرو مردی کوشا و کارآمد بود و پیش از آنکه زرتشت ظهور کند بر آئین مزددا آگاهی داشت و آنرا بکار می‌بست. از میان کارهای او بیش از همه، دو کار اهمیت داشت. نخست آنکه بتکده بد دینان را برکنار دریاچه چنچست ویران کرد. در این باب در بند هشت بنین آمده است: که چون کیخسرو بویران کردن بتکده کنار دریاچه چنچست رفت، آذر گشسپ بریال اسب او قرار گرفت چنانکه تیرگی‌ها را برکنار میکرد و پرتوی چنان درنشان پدید می‌آورد که دیدار بتکده آسان بود.

چون کیخسرو این بتکده را ویران ساخت آذر گشسپ را برکوه اسنوند<sup>۱۰</sup> که نزدیک آن بودند نهاد.

بنابر یکی از اشارات داستان دینیک، کیخسرو آتشیهای مقدسی در کنگ که در آنجا پادشاهی میکرد بر فراز جبالی که میان ایران و توران واقع است بنشاند. دوم اینکه افراسیاب و ازیاران او گرسیوز را کشت.

چنانکه بدانیم گنگدژ در آغاز کار بر سردیوان بود ، اما کیخسرو آنرا بر زمین نشانده در یکی از روایات پهلوی چنین آمده است که کیخسرو گنگدژ را بتصرف آورد و یغوثن یکی از موعودهای دین زرتشت در آن پادشاهی میکند .

در روایات دیگر مطالب مذکور بدین شکل کامل شده است که در عین سلطنت یغوثن در گنگدژ ، کیخسرو نیز بر تخت خود درجائی که از دیدگان پنهان است مانند جاه پادانان تاروز رستاخیز زنده است و در این روز سوشیانس را از پی رستاخیز مردگان باورن و همراهی میکند .

از سوتنگ نسبت نقل شده است بدین صورت : هنگامی که روز رستاخیز نزدیک شود ، کیخسرو وای (وایو) فرشته راهبر مردگان را خواهد دید و از او خواهد پرسید که چرا آئینه از مردان عهد قدیم را که صاحب قدرت و افتخارات فراوان بودند از میان برده است . «وای» بدکردلایی در این باب می پردازد ، آنگاه کیخسرو او را بصورت شتری درمی آورد و بر آن سوار میشود . وای ، او و همراهان ایرانیش را بجائی که هئوئیشت<sup>۱۱</sup> غنوده است راهنمایی میکند و سپس بجائی که طوس جنگجو خفته است میروند و از آنجا به نقطه ای میرسند که کئی ایوه خفته است و چون از او گذشتند ، سوشیانس را می بینند و او می پرسد : این کیست که بر پشت «وای» سوار است؟ کیخسرو خویشتن را بار می شناساند و سوشیانس ویرا در پراختن بر ستش گاه بددینان بر کنار چنچست ، و تپاه کردن فرامیاب درود می فرستد . آنگاه گرشاسب با گرزوی در دست فرامیرسد . طوس از جای بر میخیزد و گرشاسب را به آئین مزدامیخواند و جنگ آخر الزمان از این هنگام آغاز میشود .

- |                 |                  |
|-----------------|------------------|
| 1_ Tchaetcharta | 2_ Haoma         |
| 3_ Frangrasyana | 4_ Kavi Haurvrah |
| 5_ Aurvarara    | 6_ Keresavazda   |
| 7_ Axrura       | 8_ Vispan - Frya |
| 9_ Xvaniras     | 10_ Asanvand     |
| 11_ Hâoisht     |                  |